

مدیریت پیامدهای اجتماعی در پروژه‌های نفت و گاز

سیدامیر طالبیان* مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی

چکیده

برخی از مطالعات ارزیابی اجتماعی پروژه‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از مشکلات و موانع به‌وجود آمده در مسیر اجرای پروژه‌ها، به دلیل اشتباهات و قضاوت‌های نادرست در مورد افراد و گروه‌های درگیر و ذینفع در پروژه و عدم تعامل مناسب با آن‌ها بر اساس انتظارات و ارزش‌های آن‌ها بوده است. ارزیابی‌های سطحی و اغلب نادرست، باعث نادیده گرفتن محدودیت‌های اجتماعی، ارزش‌ها و نگرش‌های افراد جامعه محلی، دست‌کم گرفتن گروه‌های ذی‌نفوذ و مرجع، بروز مشکلات فراوان و تحمیل زیان‌هایی بر سر راه پروژه‌های ملی و منطقه‌ای به‌ویژه در صنعت نفت و گاز می‌شود. هدف از نوشتن این مقاله، تأکید بر اهمیت مسائل و واقعیت‌های اجتماعی در موفقیت یا عدم موفقیت پروژه‌ها در نواحی و مناطق پیرامونی و جنب پروژه‌های صنعت نفت و همچنین معرفی تکنیک و شیوه ارزیابی تأثیرات اجتماعی برای سنجش زمینه‌های اجتماعی موفقیت پروژه‌های صنعت نفت و گاز در قبل، هنگام اجرا و پس از اجرای پروژه‌ها می‌باشد. به این ترتیب، مدیران پروژه‌ها همزمان با انجام ارزیابی و بررسی‌های فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی، به ارزیابی جنبه‌های اجتماعی پروژه‌ها نیز توجه کافی نشان می‌دهند. در پایان نیز به فرصت‌ها و چالش‌های انجام ارزیابی‌های اجتماعی پروژه‌های صنعت نفت و موانع به‌کارگیری آن‌ها اشاره شده است.

اطلاعات مقاله

* دریافت:

۹۴/۷/۲۱

* ارسال برای داوری:

۹۴/۹/۲۵

* پذیرش:

۹۴/۱۰/۱

واژگان کلیدی

شایستگی‌های راهبردی
پایه‌سازی مدیریت پروژه
نفت و گاز
ارزیابی‌های اجتماعی
تجربیات بین‌المللی
فرصت‌ها و چالش‌ها
صنعت نفت

مقدمه

می‌شود، نشان داده شده است. در واقع، پروژه‌ها علاوه بر اینکه با ریسک‌های فنی و محیطی روبه‌رو هستند، با ریسک‌های اجتماعی که بعضاً با سرنوشت پروژه و رسیدن به اهداف مورد نظر در ارتباط مستقیم هستند، نیز مواجه‌اند. همان‌طور که در شکل ۱- نشان داده شده است، این ریسک در مراحل اولیه‌ی پروژه، یعنی در مرحله اکتشاف و امکان‌سنجی، نمود بیشتری دارد. بنابراین لازم است با به‌کارگیری شیوه‌ای مناسب، به‌طور مستمر بر روند تأثیرات متقابل پروژه و اجتماع نظارت شود و در جهت کاهش یا از بین بردن تأثیرات منفی و در واقع، کاهش ریسک اجتماعی پروژه و افزایش و تقویت اثرات آن گام برداشته شود [۴].

در این مقاله هدف، تأکید بر اهمیت انجام بررسی‌های اجتماعی برای حصول به موفقیت

پروژه‌ها نشان می‌دهد که علت اینکه مکان‌یابی پروژه‌ها بیشتر بر اساس توجیه اقتصادی و سیاسی انجام می‌شود، ممکن است در بعضی شرایط اهداف پروژه با برخی شرایط اجتماعی- اقتصادی جامعه محلی تقابل پیدا نماید که این امر، خود را به‌صورت رفتارهای غیرقابل انتظار طرفین (مجری پروژه و اجتماع محلی) نشان می‌دهد به‌طوری‌که بعضاً دیده شده است مردم محلی به علت تغییر در وضعیت عمومی زندگی و کسب و کارشان و از طرفی، عدم برآورده شدن انتظاراتشان از پروژه، با اقدامات اعتراض‌آمیز خود که حتی در مواقعی با اقدام به درگیری‌های وسیع و آسیب رساندن به منافع پروژه همراه بوده، موجب تعویق اجرای پروژه و ضرر و زیان‌های مالی زیادی شده‌اند.

در شکل ۱-، انواع ریسک‌هایی که یک پروژه در طول حیات خود با آن‌ها روبه‌رو

اقدامات توسعه‌ای به‌ظاهر ماهیت فنی دارند و تا سه دهه‌ی قبل کارشناسان توسعه به ماهیت اجتماعی و تأثیرات گسترده‌ای که این اقدامات بر زندگی مردم می‌گذارند، بی‌توجه بودند. هر سال تعداد زیادی از اینگونه اقدامات توسعه‌ای انجام شده که به دلیل تأثیراتشان، با واکنش‌هایی نیز روبه‌رو می‌شوند. موفقیت یک اقدام توسعه‌ای در اغلب موارد مستلزم لحاظ کردن پیش‌زمینه اجتماعی برای آن اقدام است. دولت‌ها و بخش خصوصی برای ارتقای رفاه و بهبودی زندگی مردم دست به اقدامات توسعه‌ای می‌زنند و مشخص شده است دست یافتن به این هدف نیازمند ملاحظه‌ی متغیرهای اجتماعی و قرار دادن آن‌ها در کنار متغیرهای فنی و اقتصادی در این‌گونه اقدامات توسعه‌ای است.

نتایج برخی مطالعات ارزیابی اجتماعی

* نویسنده‌ی عهده‌دار مکاتبات (talebian.amir010@gmail.com)



در پروژه‌های صنعت نفت و شیوه ارزیابی و اقدام نسبت به اینگونه بررسی‌هاست به گونه‌ای که نشان داده شود که چگونه توجه به اعمال یافته‌های ناشی از بررسی‌های اجتماعی در قبل، بعد و حین اجرای پروژه‌ها همزمان با اجرای بررسی‌های فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی می‌تواند منجر به دفع موانع احتمالی شکست پروژه‌ها گردد.

مطالعات بسیاری نشان داده که حضور مشاوران اجتماعی در کنار مجریان و مدیران پروژه‌ها توانسته است میزان موفقیت و پذیرش پروژه‌های صنعت نفت را در نواحی و مناطق پیرامونی و جنب آن‌ها به گونه‌ای قابل توجهی افزایش دهد؛ البته به شرطی که مدیران پروژه‌ها نیز نسبت به خسارات و لطمات ناشی از عدم پرداختن به این گونه جنبه‌ها واقف بوده و قبل از اقدامات اساسی و شروع پروژه چاره‌اندیشی نمایند^۱.

در قسمت‌های بعدی، به اهداف و نقش ارزیابی تأثیرات و پیامدهای اجتماعی در موفق بودن مدیریت پروژه‌های صنعت نفت و گاز، تجارب کشورهای دیگر در این حوزه، مدل‌های مختلف ارزیابی تأثیرات اجتماعی و همچنین فرصت‌ها و موانع به کارگیری آن توسط مدیران در پروژه‌های صنعت نفت و گاز اشاره می‌شود و در قسمت پیوست نیز به‌طور خیلی مختصر نتایج یکی از مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه‌های نفت و گاز در مناطق نفتی «سروستان و خشت» به‌عنوان مطالعه موردی ارائه می‌گردد.

۱- ارزیابی تأثیرات اجتماعی

پایداری اجتماعی و همچنین پایداری منافع محلی از بخش‌های اصلی مباحث مورد توجه در دیدگاه‌های نوین توسعه پایدار می‌باشند. نظرات زیر در این مقوله قابل اشاره و تأکید است:

۱. پایداری اجتماعی زمانی تضمین می‌گردد که تغییرات ناشی از اقدامات توسعه‌ای سبب به هم ریختن امنیت اجتماعی، تخریب روابط اجتماعی، ایجاد آسیب‌های اجتماعی، افزایش فاصله‌های طبقاتی، اثرات ناشی از برهم خوردن نظم اقتصادی در جهات نامطلوب و تبعیض علیه گروه‌های حاشیه‌ای و ضعیف نشود^[۲].

۲. بر مبنای پایداری منافع محلی، در طرح‌های منطقه‌ای باید منافع مردم ساکن در نقاط مختلف لحاظ گردد به طوری که تضمین مشارکت گسترده محلی نیازمند آن است که پیش از هر چیزی، مردم محلی علاوه بر عواقب منفی پروژه، اولین دریافت‌کننده منافع آن نیز باشند. در واقع، جلب مشارکت گسترده مردمی که تحت تأثیر یک اقدام توسعه‌ای همچون پروژه‌های بزرگ صنعت نفت و گاز قرار می‌گیرد و پایداری این مشارکت در بلندمدت، یکی از شروط پایداری توسعه است.

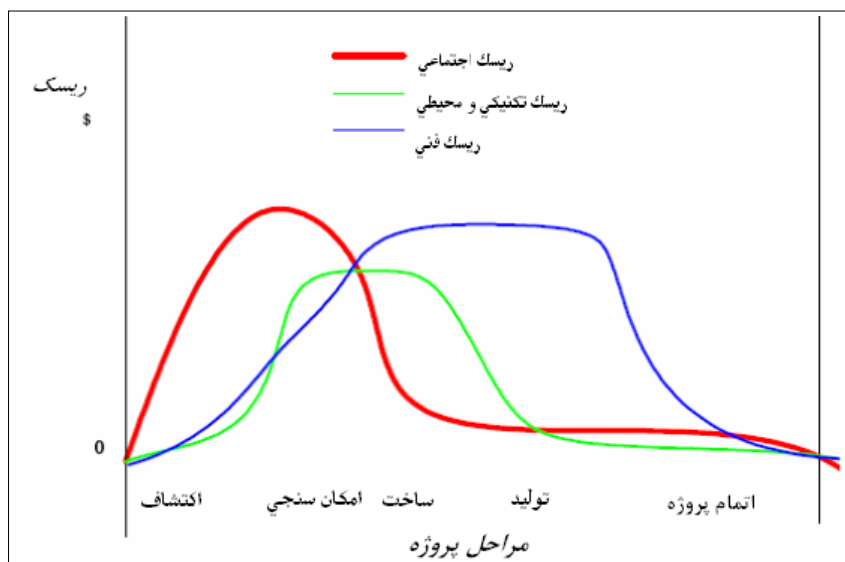
۳. مشارکت، همه مراحل برنامه‌ریزی، اجرا، بهره‌برداری و تداوم اقدام را شامل می‌شود. این مشارکت به شرطی تأمین می‌شود که منافع اقدام توسعه‌ای بیش از زیان‌های آن برای مردم باشد. به عبارتی، بیش از هر چیز باید مشارکت و

همکاری مردم را بر مبنای محاسبه عاقلانه آن‌ها توضیح داد. اگر اقدام بر اساس روال‌های جلب رضایت مردم برنامه‌ریزی شود و در کوتاه‌مدت منافع قابل ملاحظه‌ای برای کلیه اقشار اجتماعی دربرداشته باشد و در بلندمدت نیز چشم‌اندازی از منافع پایدار برای مردم محلی فراهم سازد، می‌تواند عاملی برای جلب مشارکت باشد^[۲].

۴. در واقع، اجرای ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه‌های توسعه‌ای نه فقط از موضع حقوق اجتماعات محلی، بلکه از موضعی فایده‌گرایانه و فارغ از نگرش‌های انسان‌گرایانه که حکم به رعایت حقوق اجتماعات محلی می‌کنند، نیز اهمیت دارد.

۵. اجرای پروژه‌های توسعه بدون انجام ارزیابی اجتماعی، زندگی و سلامت روحی و جسمی کارکنان در مناطق عملیاتی نفت و گاز را نیز تهدید می‌کند. بدین ترتیب، سازمان‌هایی نظیر وزارت نفت باید از موضع حفظ سلامت و بهره‌وری کارکنان خود به مقولات اجتماعی مرتبط با پروژه‌های توسعه اهمیت قائل شوند.

۶. انجام ارزیابی اجتماعی قبل و بعد از اجرا و همچنین در حین انجام پروژه می‌تواند در کنار ارزیابی‌های اقتصادی و زیست‌محیطی



انواع ریسک در مراحل مختلف پروژه

که عمدتاً برای پروژه‌های صنعت نفت و گاز انجام می‌شود، موجب صرفه‌جویی اقتصادی و دستیابی هر چه بیشتر به اهداف پروژه‌ها گردد.

۲- تعریف ارزیابی تأثیر اجتماعی^۲

"فاضلی" بر مبنای مرور کلیه تعاریفی که برای ارزیابی تأثیر اجتماعی ارائه شده معتقد است «ارزیابی تأثیر اجتماعی پژوهشی بین‌رشته‌ای با محوریت علوم اجتماعی است که می‌کوشد با سهیم شدن در همه مراحل برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی نتایج اقدامات توسعه‌ای- سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها- شناخت معتبری از تغییراتی که این اقدامات در محیط طبیعی و اجتماعی ایجاد می‌کنند ارائه دهد و پیش از اجرا شدن اقدامات توسعه‌ای، تأثیرات اجتماعی ناشی از اجرای آن‌ها را برآورد نماید.

۲-۱- عرصه‌های مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی

گزارش کمیته بین‌سازمانی آمریکا که اصول راهنمای انجام مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی در این کشور را تعیین می‌کند، فهرستی از انواع اقدامات توسعه‌ای که نیازمند ارزیابی تأثیر اجتماعی هستند را معرفی نموده است [۴]. این فهرست از میان گزارش‌هایی که در سال‌های بعد از دهه ۱۹۷۰ با استناد به قانون سیاست ملی زیست‌محیطی آمریکا نوشته شده و هدف آن‌ها ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی اقدامات توسعه‌ای بوده، استخراج گردیده است:

- استخراج مواد معدنی، هم استخراج سطحی و هم زیرزمینی و حفاری میدان‌های نفت و گاز
- سیاست‌های بهداشتی فدرال: امنیت اجتماعی، بیمه پزشکی سالمندان و بیمه بهداشت سالمندان
- سایت‌های زباله‌های خطرناک: ساخت و

راه‌اندازی سایت‌های تخلیه زباله‌های خطرناک (سازوکارهایی برای سوزاندن و نابود کردن زباله‌های شیمیایی و سمی هم در نظر گرفته شده).

■ مخازن آب، نیروگاه‌های آبی، حفاظت از آب، ساختارهای تفریحی (استخر و مانند آن) و دریاچه‌های سردکننده

■ کارگاه‌های صنعتی (کارخانه‌هایی که توسط بخش خصوصی ساخته و راه‌اندازی شده مانند پالایشگاه‌ها، کارخانه‌های فولاد و خطوط مونتاژ)

■ تخصیص و کاربری زمین‌ها مانند برنامه‌های مدیریت رشد و بازطبقه‌بندی کاربرد زمین (از تولید الوار به زمین بایر)

■ برنامه‌های مدیریت منابع طبیعی مانند شیلات، گونه‌های حیوانی در حال انقراض، پرندها و حیات وحش، کوهستان و جنگل

■ تأسیسات نظامی و دولتی مانند راه‌اندازی و تعطیل کردن پایگاه‌های نظامی

■ احداث مدرسه‌ها (خصوصی یا دولتی) در همه مقاطع و دانشگاه‌ها

■ سامانه‌های حمل و نقل مانند فرودگاه، خیابان و پایانه‌ها

■ توسعه مترو، راه‌آهن، بزرگراه، کانال‌های آب، پل، خطوط لوله، دیوار و کانال‌های مرزی، کمربندهای سبز، راه‌های آبی

■ سامانه‌های تجاری مانند مرکزهای خرید و

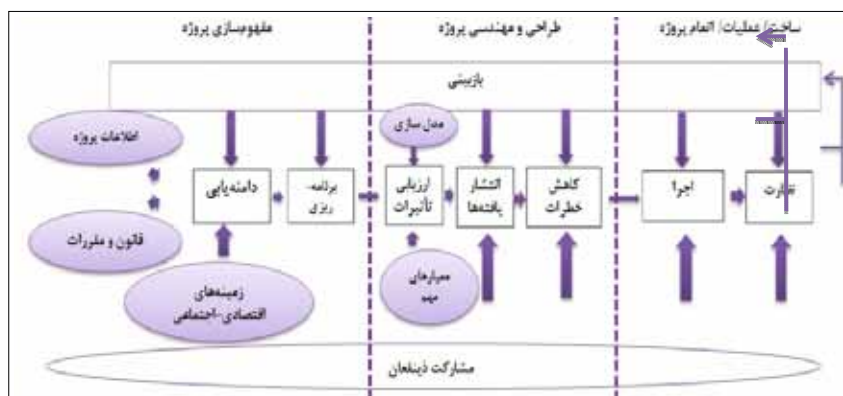
راه‌های تجاری

- تخصیص سایت‌های دینی و مقدس
- احداث پارک، منطقه‌های حفاظتی، پناهگاه، گورستان، منطقه‌های تفریحی
- سامانه‌های اقامتی مانند آپارتمان، ساختمان‌های اداری، بیمارستان

۲-۲- مراحل و انواع الگوهای انجام ارزیابی تأثیر اجتماعی

به گمان ما، پروژه‌های صنعت نفت و گاز همواره بر محیط‌زیست و اجتماعات مرتبط تأثیرگذار می‌باشند. بنابراین پروژه‌ها همواره به ارزیابی تأثیر اجتماعی نیاز دارند. همچنین جلب مشارکت عمومی در ارزیابی تأثیر اجتماعی در همه مراحل وجود دارد و به نوعی، زیرساخت ارزیابی تأثیر اجتماعی به حساب می‌آید. بنابراین می‌توان آن را یک مرحله به حساب آورد، لیکن بهتر است زمینه کلی ارزیابی تلقی شود.

یکی از مهم‌ترین مؤسسات بین‌المللی در زمینه مطالعات اجتماعی و زیست‌محیطی صنعت نفت نیز مدلی برای مراحل متوالی ارزیابی تأثیر اجتماعی ارائه کرده است (شکل-۲) [۵]. این مدل، مرحله نظارت و بازنگری (قسمت بالای مدل) را به کل دوره انجام ارزیابی تأثیر اجتماعی بسط می‌دهد و مشارکت ذینفعان در فرایند انجام ارزیابی را نیز برای کل طول دوره



شکل ۲ | مراحل متوالی انجام ارزیابی تأثیر اجتماعی

بررسی در نظر می‌گیرد. همچنین کل فرایند مطالعه به سه دوره تقسیم شده است؛ دوره اول، شناخت پروژه نام‌گذاری شده است و دو مرحله دامنه‌یابی و برنامه‌ریزی را شامل می‌شود. اطلاعات مربوط به شناخت پروژه و چارچوب قانونی به‌منزله ورودی‌های این بخش در نظر گرفته شده‌اند.

دوره دوم شامل طراحی و مهندسی است. مهم‌ترین بخش یعنی «ارزیابی تأثیر» در این بخش صورت می‌گیرد و چنان‌که مدل نشان می‌دهد، دو ورودی بسیار مهم برای این بخش وجود دارد. از قسمت بالای مدل، مدل‌سازی برای ارزیابی تأثیر وارد می‌شود. این مدل‌سازی بدان معناست که باید آنچه تأثیر آن ارزیابی می‌شود معلوم گردد و راه‌های ارزیابی نیز مدل‌سازی شده باشد. اما از قسمت پایین مدل، «معیار اهمیت» وارد می‌شود. این نکته از مدل فوق‌العاده مهم است به دلیل آنکه معیار اهمیت هر تأثیری از درون مشارکت ذینفعان اخذ می‌شود. معیارهای تأثیر از درون اجتماعی که بر اساس منافع متفاوت و متکثر خود در فرایند مطالعه مشارکت می‌کند، اخذ می‌شود. این بدان معناست که محققان به تنهایی قادر نیستند اولویت‌های جامعه را تعیین کنند. چنان‌که بعداً خواهیم گفت، تعیین معیارهای اهمیت تأثیرات، امری است که با ارزش‌های جامعه سروکار دارد.

دوره دوم، یک مرحله بسیار مهم نیز دارد که در برخی مدل‌های توالی ارزیابی تأثیر اجتماعی، از جمله مدل مفصلی که فاضلی (۱۳۸۹) تشریح کرده است، وجود ندارد. «انتشار یافته‌ها» یکی از مراحل است که در مدل‌های ارزیابی تأثیر اجتماعی به آن توجه شده است. این بخشی از تلاش برای درگیر کردن همه ذینفعان در فرایند ارزیابی و آگاه ساختن آنها از نتایج است. به این ترتیب، همه ذینفعان می‌توانند برداشت‌های واقعی تری از نتایج داشته باشند و با شناخت

عمیق‌تر منافعی که تحت تأثیر پروژه قرار می‌گیرد از حقوق خود دفاع کنند. این مدل، مرحله انتشار یافته‌ها را در بخش «طراحی و مهندسی» قرار داده و همین امر نشان می‌دهد که به اعتقاد سازمان‌های بین‌المللی متخصص در زمینه صنعت نفت و گاز، جایگاه ملاحظات اجتماعی در طراحی پروژه‌ها و اهمیت دادن به ذینفعان در چه حد است.

آخرین بخش از مدل به اجرای پیشنهادهای برآمده از تحقیق و نظارت و پایش چگونگی اجرای پیشنهادات اختصاص دارد. اما یک حلقه‌ی بازخورد نیز در انتهای سمت راست مدل طراحی شده که نشان می‌دهد در حین اجرای پروژه (مرحله ساخت، عملیات و اتمام فعالیت پروژه) تا زمان ختم فعالیت آن نیز باید مشاور ارزیابی تأثیر اجتماعی حضور داشته باشد و به نوعی عواقب اجتماعی پروژه‌ها در همه مراحل پایش و نظارت شود. با توجه به طولانی بودن عمر اغلب تأسیسات صنعت نفت و گاز، این حلقه‌ی بازخورد بسیار اهمیت دارد.

۲-۳- ارزیابی تأثیرات اجتماعی در پروژه‌های

صنعت نفت و گاز

در بخش‌های قبل نشان دادیم که ارزیابی تأثیرات اجتماعی دانشی برای بررسی پیش‌شرط‌های اجتماعی موفقیت اقدامات توسعه‌ای و همچنین شناسایی پی‌آمدهای منفی محتمل برای آنهاست که هر دو هدف در نهایت، در جهت ایجاد توسعه پایدار هستند. زمانی این نکته آشکارتر خواهد شد که نشان دهیم صنعت نفت و گاز در جهان و ایران با چه مقولات اجتماعی‌ای سروکار دارد. به این ترتیب مشخص می‌شود که ارزیابی تأثیر اجتماعی در صنعت نفت می‌تواند متولی بررسی چه مقولاتی باشد و سهم آن در توسعه پایدار و پیشبرد توسعه در این صنعت چیست. در این قسمت به بررسی مقولات اجتماعی مرتبط

با صنعت نفت در جهان و ایران می‌پردازیم. این بررسی همچنین نشان خواهد داد که تا چه اندازه مقولات تحت بررسی اجتماعی در ایران و جهان شباهت و تفاوت دارند و از همین منظر، اهمیت مطالعات اجتماعی به شیوه متداول در دنیا برای حرکت به سمت توسعه پایدار صنعت نفت در ایران آشکار می‌شود. در قسمت‌های بعدی به بررسی فوایدی که ارزیابی تأثیر اجتماعی می‌تواند برای صنعت نفت داشته باشد خواهیم پرداخت.

خطر نشت نفت و پی‌آمدهای ناشی از آن بیش از همه در وقایعی نظیر خط لوله ترانس آلاسکا و همچنین نشت از نفتکش‌های بزرگ و بالاخص در حادثه‌ای نظیر آلودگی نفتی ناشی از نفتکش اکسون والدر آشکار شد. لیکن، خطر آن است که فقط نشت مقادیر زیاد - نظیر نشت ناشی از حادثه برای نفتکش‌ها - جلب توجه کند و از آلودگی‌هایی که به تدریج ایجاد می‌شوند، غفلت شود. نشت نفت به دلیل تأثیری که بر کاهش توانایی معیشتی جوامع دارد - اراضی را تخریب می‌کند، ذخایر ماهیان را از بین می‌برد، تپه‌های مرجانی را تخریب و مقاصد توریستی را زایل می‌کند، بر زیستگاه‌های حیات وحش تأثیر گذاشته و درآمدهای توریستی را می‌کاهد و ... - خیلی زود به مسئله‌ای اجتماعی بدل می‌شود. نشت نفت بر اثر حادثه در چاه متعلق به شرکت بریتیش پترولیوم در خلیج مکزیک و واکنش‌های دولت آمریکا به آن نمونه‌ای از چگونگی تبدیل شدن مسائل زیست‌محیطی به اجتماعی است [۳].

اعتراض نسبت به فرصت‌های شغلی محدود، سهم ناعادلانه مناطق میزبان عملیات صنعتی از درآمد نفت، تخریب زیست‌محیطی، تهدید کشاورزی و معیشت سنتی به واسطه تأسیسات نفتی، و از بین رفتن تجارت‌های قبل از توسعه تأسیسات صنعت نفت و گاز در مناطق عملیاتی نیز می‌تواند سبب بروز نارضایتی و مشکلات

متعاقب آن شود.

فرصت‌های اشتغال، یکی از اصلی‌ترین موضوعات مورد مناقشه میان شرکت‌های نفتی و بومیان یا کلیه جمعیت‌های میزبان عملیات صنعتی نفت و گاز است. این صنعت به دلیل سرمایه‌بر بودن و فناوری پیشرفته‌ای که در آن استفاده می‌شود به نیروی انسانی زیادی نیاز ندارد. ساکنان مناطقی که تأسیسات نفت و گاز در آنها ساخته می‌شود انتظار دارند به صورت مستقیم در این تأسیسات مشغول به کار شوند. به ویژه اگر این مناطق توسعه نیافته باشند و نیروی انسانی موجود در آنها نیز دارای مهارت‌های قابل توجهی نباشد، تحقق چنین سطحی از اشتغال غیرممکن می‌شود و همین امر به تعارضاتی با اجتماعات میزبان می‌انجامد. چنان که بعداً نشان خواهیم داد، این مشکل از طریق ایجاد زنجیره‌های تأمین محلی کالا و خدمات قابل حل است.

همچنین ایجاد تأسیسات نفت و گاز می‌تواند تغییرات اجتماعی سریعی را به همراه داشته باشد. تغییرات اجتماعی سریع نیز می‌تواند سبب تأثیر بر مسائل اجتماعی نظیر خشونت و جنایت شود. ادبیات مربوط به تأثیرات رشد سریع حاکی از آن است که با توسعه تغییرات اجتماعی، مهاجرت‌های گسترده‌ای واقع می‌شود که به نوبه خود، مسائل اجتماعی متنوعی ایجاد می‌کند. افزایش جمعیت و تضعیف کنترل‌های اجتماعی غیررسمی بر افراد، گمنامی مهاجران، رقابت برای منابع کم- به ویژه در مناطقی که توسعه نیافته بوده‌اند و میزبان اقدامات توسعه‌ای می‌شوند- ورود افراد غریبه و افزایش استقلال افراد از یکدیگر اسبابی برای افزایش خشونت و جرم می‌شود.

۳- نمونه‌های مدیریت مسائل اجتماعی در صنعت نفت و گاز

چنانکه نشان دادیم، مسائل اجتماعی بخش تفکیک‌ناپذیر تجربه توسعه صنعت نفت و گاز

در جهان است. عدم موفقیت در مدیریت این مسائل بود که بیشترین توجه را به آنها جلب کرد. لیکن نمونه‌های موفق از مدیریت مسائل اجتماعی در این پروژه‌ها نیز وجود دارد.

ساخت سایت تأسیسات نفت در دریا در جزیره نیوفاندلند از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷، نمونه قابل‌ذکری در این حوزه است. استوری و جونز شناخت بستر بومی منطقه، تعامل مناسب و زود هنگام در مراحل اولیه طرح با مردم، شناخت دقیق دامنه مسائل ناشی از پروژه، مطالعه موارد احتمالی، طراحی راهبردهای مدیریتی کاربردی در منطقه و پایش مناسب را دلایل موفقیت این پروژه در مدیریت مسائل اجتماعی و حداقل ساختن تأثیرات منفی این پروژه بر زندگی اجتماعی جزیره می‌دانند [۶].

نیوفاندلند به‌طور سنتی، یکی از فقیرترین مناطق کاناداست. اکتشافات نفت از دهه ۱۹۷۰ در این منطقه آغاز شده است. در مراحل اعلام اکتشاف از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۶ اثرات ناشی از مرحله اعلام پروژه بر این منطقه آغاز می‌شود. از همین زمان، مشاوره با اجتماع محلی برای واقع‌گرایانه کردن انتظارات ایشان از پروژه آغاز می‌شود. همچنین خطرات درآمدهای نفتی برای ماهیگیری، تهدیدهای ناشی از حضور غریبه‌ها، فرسایش برابری اجتماعی و بُروز نابرابری و فروپاشی اجتماعات روستایی مورد توجه قرار می‌گیرد [۶].

بعد از انجام مطالعات، درخصوص نیازمندی‌های زیرساختی، بازار مسکن، اشتغال و کلیه تأثیراتی که ممکن است پروژه بر منطقه داشته باشد، پیش‌بینی‌های لازم صورت می‌گیرد. پس از امضای قرارداد ایجاد سایت هایبرنیا در منطقه‌ی نیوفاندلند در سال ۱۹۹۰، وضعیت به گونه‌ای بود که سه بررسی استوری و جونز در میانه دهه ۱۹۹۰ نشان می‌داد نگرانی‌های اجتماعی و مشکلاتی که در میانه دهه ۱۹۷۰ انتظار می‌رفت در جزیره ایجاد شود،

رفع شده‌اند.

به نظر می‌رسد عملکرد شرکت شل در پروژه ساخالین روسیه نیز موفقیت‌آمیز بوده است. جایزه عملکرد ویژه به پروژه ساخالین شرکت شل به خاطر پرداختن به مقوله نارضایتی‌های ذینفعان محلی در جزیره ساخالین اهدا گردید. این جایزه به بخش‌هایی از شرکت شل داده می‌شود که به کمک عملکردشان، شل را در حفظ مجوزهای عملیات خود در مناطق نفتی کمک نمودند. شل برای دست یافتن به این موقعیت، برنامه جلب مشارکت عمومی، مذاکره با ذینفعان و پرداختن به مسائل اجتماعی، زیست‌محیطی، ایمنی و سلامت را از سال ۲۰۰۳ آغاز کرده است. در ۸ سپتامبر ۲۰۰۳ نتایج مطالعات شل در خصوص مسائل فوق به دو زبان روسی و انگلیسی از طریق وبسایت این شرکت منتشر و در اختیار همگان و به ویژه گروه‌های تحت تأثیر قرار گرفت.

۴- مقولات اجتماعی صنعت نفت: تجربه ایران

مطالعات زیادی درباره تأثیرات اجتماعی توسعه صنعت نفت و گاز بر اجتماعات میزبان این صنعت در ایران انجام نشده است. اما نکته مهم این است که همان مطالعات اندک انجام شده نیز دو نکته مهم را نشان می‌دهند: ۱. توسعه صنعت نفت تأثیرات بسیار متنوع و توأم با عوارض منفی ناخواسته‌ای بر اجتماعات محلی داشته است ۲. الگوی تأثیرات این صنعت در ایران نیز شبیه الگوی تأثیرات در بقیه نقاط دنیاست. به ویژه این تأثیرات از عللی که لوتون و کلاک در ایالات متحده‌ی آمریکا تشریح کرده و آن را سبب بُروز الگوی کلاسیک ارزیابی تأثیرات اجتماعی می‌خوانند، تبعیت می‌کنند. نگارنده، فاضلی و دغافله (۱۳۸۷) [۱] به بررسی تأثیرات توسعه صنعت نفت بر منطقه عسلویه پرداخته‌اند. شواهد حاصل از بررسی انجام شده در عسلویه نشان می‌دهد که ورود

صنعت به منطقه عسلویه سبب بهبود آموزش، امکانات اوقات فراغت، بالا بردن سطح دانش و توانایی مردم بومی و رضایت اجتماعی ایشان نشده است. به هنگام ساخت تأسیسات صنعتی، به این واقعیت که آیا منطقه‌ای کوچک و فاقد امکانات شهری پتانسیل جذب نیروی کار فراوان شاغل در این منطقه را دارد یا خیر، توجهی نشده است. از سوی دیگر، ورود کارگران غیربومی و بالا رفتن جمعیت ساکن در منطقه سبب گران شدن مسکن و بقیه اقلام هزینه زندگی در این منطقه شده است. در حالی بار اجتماعی و اقتصادی زیادی به منطقه تحمیل شده که هیچ تغییری در ساختار امکانات و توسعه انسانی منطقه ایجاد نشده است.

یافته‌ها از آن حکایت دارند که مدیریت صحیح نیروی انسانی به قصد حفظ پایداری انسانی و مدیریت صحیح توسعه به قصد برقراری شرایط انواع پایداری‌های لازم در عسلویه اعمال نشده است. این سخن بدان معنا نیست که اقدام به ایجاد پروژه‌های صنعتی در عسلویه اشتباه بوده است. بلکه فقط به این معناست که راه‌های بهتری برای دستیابی به توسعه صنعتی هم وجود داشته است و امروز برای دور شدن از آینده ناخوشایندی که می‌تواند در انتظار باشد، می‌توان نگاهی دیگر به مقولات انسانی و اجتماعی در منطقه عسلویه داشت. به علاوه، هنوز اقدامات توسعه‌ای زیادی باید در کشور صورت گیرد.

در اینجا بنا نداریم توصیه کنیم مدیر پروژه در عین درگیری با مسائل و چالش‌های مختلف و متعدد پروژه توسعه‌ای که فرصت قابل توجهی از وقت مدیر را به‌ناچار به خود اختصاص می‌دهد، خود به ارزیابی تأثیر اجتماعی هم مبادرت ورزد، بلکه هدف این است که به مدیران صنعت نفت به ویژه مدیران پروژه‌ها و در مناطق توصیه شود که با به کارگیری مشاور اجتماعی ذی‌صلاح و کاربست این الگو، قادر به انجام، نظارت و عملیاتی نمودن امر ارزیابی

اجتماعی در پروژه شوند.

۵- فرصت‌ها و چالش‌های توسعه ارزیابی تأثیر اجتماعی در پروژه‌های صنعت نفت

آنچه تحت عنوان تجربه‌ی بروز پی آمدهای اجتماعی بر اثر توسعه صنعت نفت و گاز در نقاط مختلف جهان ارائه کردیم، نشان می‌دهد که صنعت نفت جهان و به‌طور خاص صنعت نفت و گاز در ایران، با تقاضای مناسبی برای ورود تحلیل‌های اجتماعی روبه‌روست. نقش بسیار مهم نفت در حیات اقتصادی و اجتماعی جهان، ماهیت این صنعت، ویژگی‌های مناطقی که این صنعت در آن‌ها قرار گرفته است و برخی از مسائلی که تحت عنوان چالش‌های "اتا" در صنعت نفت ایران طرح می‌کنیم، سبب شده‌اند تا صنعت نفت با مشکلات زیادی در ارتباط با مردمان مناطق نفت‌خیز و کارکنان خود مواجه شود و از این‌رو، زمینه فعالیت گسترده‌ی ارزیابی تأثیر اجتماعی در صنعت نفت فراهم شود. در ادامه کوشیده‌ایم برخی از مهم‌ترین آن‌ها را بررسی نماییم.

۵-۱- فرصت‌های توسعه‌ی به کارگیری "اتا" در پروژه‌های صنعت نفت

صنعت نفت از فرصت‌هایی برای توسعه دانش "اتا" و کاربرد آن نیز برخوردار است که این فرصت‌ها عبارت‌اند از:

۱. معمولاً اقدامات توسعه‌ای در صنعت نفت هزینه بسیار زیادی طلب می‌کنند. این در حالی است که هزینه مطالعات "اتا" در مقابل هزینه این اقدامات، به واقع ناچیز یا حتی قابل صرف‌نظر کردن است. از این‌رو، در مقایسه با بسیاری از اقدامات توسعه‌ای (برای مثال بسیاری از پروژه‌های مدیریت شهری یا پروژه‌های کوچک توسعه روستایی) هزینه انجام "اتا" در مقابل هزینه‌های انجام پروژه‌ها آن‌قدر اندک است که در صورت داشتن نگاهی مثبت به

اینگونه مطالعات، مشکلات هزینه‌ای برای انجام مطالعات "اتا" در صنعت نفت مانع جدی به حساب نمی‌آیند.

۲. صنعت نفت در ایران دارای دانشگاه اختصاصی خود است و مراکز متعدد آموزشی نیز دارد. از این‌رو، اجرای برنامه‌های آموزشی و حتی دوره‌های آموزش ارزیابی تأثیر اجتماعی در صنعت نفت ایران از امکانات زیرساختی لازم برخوردار است. این در حالی است که بسیاری از سازمان‌ها برای تأمین نیروی انسانی متخصص در زمینه ارزیابی تأثیر اجتماعی به مراکز آکادمیک یا مؤسسات تحقیقاتی و مشاوره نیازمند هستند.

۳. صنعت نفت ایران در پی بین‌المللی شدن و مشارکت در عملیات صنعتی در کشورهای مختلف جهان و بالاخص شرکای تجاری ایران در کشورهای در حال توسعه است. اینگونه کشورها برای تأمین منابع مالی پروژه‌های شان به کمک‌های بین‌المللی وابسته‌اند و گاه خودشان نیز استانداردهایی دارند که انجام مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی را ضروری می‌سازد. نوع و سطح توسعه‌یافتگی این کشورها نیز به اندازه‌ای است که اقدامات صنعتی تأثیرات شدیدی بر مردم باقی می‌گذارد. بدیهی است تأمین کنندگان بین‌المللی اعتبارات مالی پروژه‌ها، با تأکید زیادی که در دو دهه گذشته به ارزیابی تأثیر زیست‌محیطی و اجتماعی شده است، رعایت استانداردهای اجتماعی و انجام مطالعات "اتا" را طلب می‌کنند. بنابراین، شرکت‌های ایرانی برای رقابت در فضای بین‌المللی، واقعاً به توسعه دانش و مهارت‌های خود در زمینه "اتا" نیازمند هستند و همین امر عاملی است که به دنبال توسعه این دانش در صنعت نفت باشند.

۴. در صنعت نفت، نه تنها رابطه بین توسعه صنعت نفت و اجتماعات بومی یا محیط‌هایی که میزبان اقدامات توسعه صنعت نفت و گاز

هستند، بلکه خود نیروی انسانی شاغل در صنعت نفت نیز زمینه مساعدی برای توسعه مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی است. کارکنان وزارت نفت و شرکت‌های تابعه در شهرک‌ها، شهرهای مناطق عملیاتی، کمپ‌های نزدیک به مناطق عملیاتی، جزیره‌های واقع در دریا، ایستگاه‌های عملیات نفتی در دریا، در گستره جغرافیایی بسیار وسیعی قرار گرفته‌اند. نمونه‌های متعددی از مشکلات فردی و اجتماعی در محیط زندگی این افراد گزارش شده است. دور افتاده بودن، قرار داشتن در محیط‌های بسته (نظیر جزایر و سکوها در دریایی)، واقع شدن در زیست‌محیط‌های نامناسب (کویری و...) و شماری از این عوامل، بررسی تأثیرات هر گونه اقدام - نظیر ساخت شهرک‌های اسکان نیروی انسانی - یا سیاست مدیریت نیروی انسانی (نظیر طرح اقماری) در صنعت نفت را مستعد مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی می‌سازد. بنابراین، نه فقط از زاویه تأثیرات اقدامات توسعه‌ای بر اجتماعات محلی، بلکه از زاویه نیروی انسانی شاغل در صنعت نفت نیز فرصت‌های زیادی برای توسعه مطالعات "اتا" در این صنعت وجود دارد.

۵. نکته آخر اینکه بنا به مندرجات ابلاغیه سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و همچنین قانون برنامه پنجم توسعه، دولت مکلف است برای کلیه پروژه‌های ملی مهم کشور پیوست فرهنگی تهیه کند. پیوست فرهنگی قرابت بسیار زیادی با ارزیابی تأثیر اجتماعی دارد و در مدلی که برای انجام مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی در صنعت نفت ارائه کردیم، بر تدوین آن تأکید شد. این مصوبه‌ی لازم‌الاجرا، خود می‌تواند راهکاری برای مقابله با برخی مقاومت‌ها در برابر اجرا شدن مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی در صنعت نفت باشد.

۵-۲- چالش‌های توسعه‌ای به کارگیری "اتا"

در پروژه‌های صنعت نفت

اولین و مهم‌ترین مشکل انجام مطالعات "اتا"

و به کار بردن نتایج حاصل از این مطالعات در صنعت نفت، نگرش مدیران و حتی بدنه نیروی انسانی به آن است. صنعت نفت به‌عنوان مقوله‌ای سخت‌افزاری، دارای پیچیدگی‌های فنی، اقتصادی و در بهترین حالت ملزم به رعایت ملاحظات زیست‌محیطی، در اذهان مدیران و بدنه کارشناسی آن متجلی شده است. این افراد نگرش‌های قالبی به مقولات اجتماعی در صنعت نفت نیز دارند. غالباً تصور می‌کنند وقتی قادرند صنعت پیچیده‌ای را مدیریت کنند و از پس ابعاد تکنولوژیک آن برآیند، پیش‌بینی کردن و مدیریت ابعاد اجتماعی پی‌آمدهای این صنعت کار دشواری نیست. گروه دیگری در این صنعت بر این عقیده‌اند که مدیریت ابعاد اجتماعی به عهده سازمان‌های دیگری در کشور است و صنعت نفت تنها متولی ابعاد فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی این صنعت است. ما در این اینجا علیه همه این گونه تصورات استدلال کرده‌ایم و معتقدیم اصلاح این نگرش‌ها، راه بهبود عملکرد خود صنعت نفت در همه ابعاد خواهد بود.

تصور دیگر که مانعی در برابر انجام این مطالعات است، به تصور نقش این مطالعات در به تعویق افتادن پروژه‌ها و کند کردن فرایند کار ارتباط دارد. واقعیت این است که چند دهه توسعه در ایران نشان داده طولانی شدن زمان انجام پروژه‌ها بدون انجام مطالعات اجتماعی نیز پدیده‌ای رایج بوده است. به این معنی که متأسفانه به طور معمول اجرای پروژه‌های صنعتی در کشور ما دچار دیر کردهای طولانی‌مدت گردیده و بنابراین نباید تصور کنیم مطالعات اجتماعی موجب به تعویق افتادن و یا کند شدن روند اجرا خواهد شد بلکه بر عکس، تسهیلات و بستر لازم برای پیشرفت بیشتر پروژه را فراهم می‌نماید. این مشکل را باید با مدیریت بهتر زمان و تدارک دیدن ملزومات پروژه‌ها حل کرد و این مشکل به

انجام مطالعات اجتماعی ارتباطی ندارد. در ضمن، انجام مطالعات اجتماعی با پیش‌بینی کردن برخی مشکلات اجتماعی متوقف‌کننده پروژه‌های نفتی می‌تواند نقش مهمی در بهبود سرعت انجام پروژه‌ها داشته باشد. از سویی دیگر، تصور می‌شود پی‌آمدهای اجتماعی اقدامات توسعه‌ای در صنعت نفت در مقابل فواید اقتصادی آن‌ها بسیار کوچک و قابل چشم‌پوشی است.

یکی دیگر از چالش‌های مهم توسعه "اتا" در صنعت نفت، فقدان الزام‌های درون صنعت نفت برای انجام مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی است. برای مثال، در زمینه مطالعات زیست‌محیطی هم فرهنگ سازمانی وزارت نفت به ضرورت انجام این مطالعات دست یافته و هم زمینه‌های آن از طریق الزامات مطرح شده در قالب بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE) در صنعت نفت فراهم شده است. بخش‌های متولی بهداشت، ایمنی و محیط‌زیست در شرکت‌های نفتی حضور دارند و استانداردهای آن لازم‌الاجرا تلقی می‌شود. اما چنین چیزی در مورد مسائل اجتماعی وجود ندارد. بنابراین علی‌رغم الزام دولت به تدوین پیوست فرهنگی برای پروژه‌های مهم که به واقع یک فرصت به حساب می‌آید، تقویت الزام‌های قانونی و دستورالعمل‌ها برای ضرورت انجام مطالعات "اتا" در صنعت نفت یکی از ضرورت‌ها برای توجه به مسائل اجتماعی در این صنعت است. در واقع، باید به سمتی حرکت کرد که به مانند تعریف استانداردهای کیفیت زیست‌محیطی، ایمنی کار و مقولات مشابه، استانداردهای کیفیت زندگی اجتماعی در اجتماعات متأثر از اقدامات توسعه‌ای و در محیط‌های زندگی کارکنان صنعت نفت تعریف شده و برای تحقق آن‌ها انجام مطالعات اجتماعی در دستور کار قرار گیرد.

طیفی از نشریات مختلف در ساختار صنعت نفت کشور وجود دارند که ابعاد فنی،

اقتصادی و زیست‌محیطی این صنعت را پوشش می‌دهند و انواع دست‌آوردها یا کاستی‌های آن‌را بازتاب می‌کنند. اما اطلاع‌رسانی درباره مشکلات اجتماعی خود صنعت نفت و اجتماعات محلی‌ای که صنعت با آن‌ها روبه‌روست، جایگاه خاصی در صنعت نفت ندارد. همواره در بولتن‌های غیر تخصصی به برخی از این مسائل پرداخته می‌شود. این نقیصه را باید در کنار این مشکل ساختاری تر دید که مطالعات اجتماعی، به مانند امور بهداشت، ایمنی و محیط زیست، دارای دیارتمان خاصی در شرکت‌های نفتی در هیچ سطحی نیست. بنابراین، امور اجتماعی صنعت- در همه ابعاد- فاقد متولی خاصی است. تنها در مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، یک گروه مطالعاتی در زمینه اجتماعی وجود دارد و شرکت‌های نفتی کماکان در برابر پذیرش جایگاه مطالعات اجتماعی در صنعت مقاومت می‌کنند.

نکته مهم‌تری نیز وجود دارد که به‌واقع، عملیاتی شدن یافته‌های حاصل از انجام مطالعات اجتماعی را دشوار می‌سازد. وزارت نفت و شرکت‌های تابعه معمولاً در محیط‌های توسعه‌نیافته‌ی مناطق عملیاتی کار می‌کنند و به دلیل اولویت نفت برای اقتصاد کشور، از قدرتی پنهان برخوردارند که اولویت‌های آن‌ها

بر هر اولویت دیگری ترجیح داده می‌شود. این وضعیت نامتوازن قدرت شرکت‌های نفتی در برابر نهادهای محلی، به ایشان اختیار می‌دهد که حتی یافته‌های مطالعات ارزیابی تأثیر اجتماعی را به کار نیندند و به هشدارها در مورد پیامدهایی توجه بوده و روند کاری خود را دنبال کنند. این وضعیت در کوتاه‌مدت منافی برای صنعت نفت داراست اما در بلندمدت و با بروز پیامدهای اجتماعی، مسائلی چند برابر بزرگتر از آنچه در ابتدا وجود داشته و می‌شده با هزینه و زمان کمتری نسبت به رفع آن‌ها اقدام کرد، حادث می‌شود. صنعت نفت باید با بلندمدت‌نگری، برای رسیدن به منافع پایدار آتی، از به‌کارگیری قدرت پنهان و آشکار خود در مناطق عملیاتی برای پیشبرد توسعه پایدار استفاده کند نه آنکه آن را به تعویق بیندازد.

۵-۳- نحوه مقابله با چالش‌های گفته شده

برای مقابله با چالش‌هایی که ارزیابی تأثیر اجتماعی با آن روبه‌روست و بهره‌بردن از ظرفیت‌های این عرصه از دانش، "اتا" نیز باید به مانند ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی، به بخشی از الزامات قانونی تضمین شده‌ی اقدامات توسعه‌ای بدل گردد. به علاوه، این ضرورت به سیاست‌ها و برنامه‌ها نیز بسط داده شود. هر

سیاست و برنامه، اگرچه هسته‌ای نرم‌افزاری است، لیکن پیامدهایی برای محیط‌زیست طبیعی و اجتماعی به‌همراه دارد. همچنین باید قوانین در مورد ضرورت اتا در صنعت نفت به گونه‌ای تدوین شوند که مطالعه تأثیرات اجتماعی از زمان طرح ایده و برنامه‌ریزی آغاز شود.

علاوه‌بر این، "اتا" می‌تواند به بخشی از برنامه درسی دوره‌های آموزشی در وزارت نفت تبدیل شود. از سوی دیگر، شرکت‌های نفتی را می‌توان به انتشار گزارش‌های اقدامات اجتماعی خود در راستای تحقق توسعه پایدار ملزم ساخت. شرکت‌هایی نظیر شل و بسیاری دیگر از شرکت‌های بین‌المللی مهم در عرصه‌ی نفت و گاز، چنین گزارش‌هایی را منتشر می‌کنند و در آن، مسئولیت‌ها، اقدامات و دست‌آوردهای خود را در زمینه توسعه اجتماعی تشریح می‌کنند.

در نهایت، می‌توان فرایند تغییر ذهنیت مدیران نسبت به مطالعات اجتماعی در ساختار صنعت نفت را با انجام چند مطالعه اجتماعی درباره پیامدهای پروژه‌های صنعت نفت یا مطالعه‌ی برخی سیاست‌ها آغاز کرد. این فرایند تدریجی خواهد بود و به مقدماتی نیاز دارد که تهیه این مقاله و همچنین متون مشابه می‌تواند در این راستا باشد. ■

پانویس‌ها

در ادبیات مرتبط با این موضوع از «اتا» به‌عنوان جایگزین مفهوم «ارزیابی تأثیرات اجتماعی» استفاده می‌شود که در این فصل نیز به همین ترتیب عمل شده است [۳].

^۱ مطالعه موردی مناطق نفتی سروستان و سعادت‌آباد و خشت به‌عنوان نمونه این مدعا در بخش پیوست ارائه شده است.
^۲ فاضلی (۱۳۸۹) کلمه «اتا» را به‌عنوان خلاصه مفهوم «ارزیابی تأثیر اجتماعی» به کار برده است که بعد از آن، عموماً

منابع

- [1] طالبیان، امیر، فاضلی، محمد، و دغاغله، عقیل. (۱۳۸۷) «تحلیل تأثیر اجتماعی و فرهنگی توسعه صنعتی در منطقه عسلویه». نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۳، صص. ۷۵-۵۵.
- [2] فاضلی، محمد. (۱۳۸۹) ارزیابی تأثیرات اجتماعی. انتشارات جامعه‌شناسان.
- [3] Baumuller, Heike., Donnelly, Elizabeth., Vines, Alex., & Weimer, Markus. (2011) The Effects of Oil Companies' Activities on the Environment, Health and Development in Sub-Saharan Africa. European Parliament
- [4] Interorganizational Committee on Guidelines and Principles for Social Impact Assessment (ICGPSIA). (2003) Principles and Guidelines for Social Impact Assessment in the USA. Impact Assessment and Project Appraisal, Vol. 21, No. 3, Pp. 231250-
- [5] International Petroleum Industry Environmental Conservation Association (IPIECA). (2004) A Guide to Social Impact Assessment in the Oil and Gas Industry. IPIECA
- Luton, Harry. & Cluck, Rodney. (2003) Social Impact Assessment and Offshore Oil and Gas in the Gulf of Mexico. <http://commdev.org/files/1359fileDecommissioning20GulfSIA.pdf>
- [6] Storey, Keith. & Jones, Pam. (2003) "Social Impact Assessment, Impact Management and Follow-up: A Case Study of the Construction of the Hibernia Offshore Platform". Impact Assessment and Project Appraisal, Vol. 21, No. 2, Pp. 99107-